

الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی در تاریخ‌نگاری مهدیقلی خان هدایت

محمد سلماسی‌زاده^۱

چکیده:

مسئله اصلی این پژوهش تبیین الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی در تاریخ‌نگاری مهدیقلی خان هدایت می‌باشد. در برخی از این منابع تلاش گردیده است که مدلی اسلامی- ایرانی برای پیشرفت ارائه گردد که از آن جمله می‌توان به مورخ پرکار پایان دوره قاجاریه، مهدیقلی هدایت، اشاره کرد. بدین منظور با استفاده از روش تحقیق تحلیلی- تبیینی، آثار تاریخی وی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. تمرکز نویسنده معطوف به تبیین جریان‌های ترقی- خواهانه، نتایج و آثار آن بوده است و فرضیه اصلی بهره‌مندی مؤلف از تبیین‌های عقلانی در تبیین مدل ملی پیشرفت می‌باشد. گردآوری داده‌های اطلاعاتی بر اساس روش کتابخانه‌ای انجام یافته است. مهم‌ترین نتایج بدست آمده نشانگر آن است که مهدیقلی هدایت یکی از نخستین مورخان است که با بهره‌مندی از روشی علمی توانسته است مدلی از پیشرفت را با استناد به فرهنگ اسلامی- ملی ارائه کند. آثار او را می‌توان یکی از نمونه‌های گذار از توصیفات صرف به تبیین‌های عقلانی در تاریخ معاصر ایران دانست. وی با تأکید بر سه اصل خردگرایی، شریعتمداری و عدالت‌جویی می‌کوشد جریان‌های ترقی‌خواهانه عصر خویش و نتایج آن را مورد نقادی قرار دهد. اختصار و انتقاد دو وجه اصلی نگارش اوست. انواع تبیین‌های عقلانی در تاریخ‌نگاری وی مشاهده می‌شود. هدایت با نقد جریان‌های تجددخواه عصر خویش الگویی ملی برای حرکت ترقی‌خواهانه ایرانیان ارائه می‌کند که در آن هم بحران‌های اجتماعی ناشی از مدرنیسم کنترل می‌گردد و هم با نظام سلطه غربی که از راه رواج ارزش‌های فرهنگی خود منابع معنوی و مادی کشور را به یغما می‌برد مقابله می‌شود. این یکی از مهم‌ترین فواید پژوهش حاضر است که تاریخ را به‌عنوان دانشی کاربردی و بااهمیت در توسعه کشور مطرح می‌کند.

کلیدواژه‌ها: پیشرفت و ترقی، مدل ملی، تبیین‌های عقلانی، شریعتمداری، اخلاق‌گرایی، عدالت‌خواهی.

مقدمه

وقایع‌نگاری رویکرد غالب در تاریخ‌نگاری ایرانی تا دوره معاصر بوده است اما در این دوره برخی از مورخان با گذر از تئوری‌های جبری‌گرایانه، مشیت الهی، و نخبه‌گرایی به دنبال کشف علل رویدادها و پدیده‌های تاریخی و جایگزینی تبیین و تفسیر به جای نقل‌های روایی و کسالت بار گشتند. مهدیقلی هدایت یکی از این مورخان است که با تاثیرپذیری از روش‌های متدوال در علوم جدید رویکرد متفاوتی به تاریخ‌نگاری ارائه کرد که شامل تبیین‌های عقلانی و متکی بر دلایل، و نه صرفاً علل، و فهم و تفسیر مدلول‌های آن از تاریخ بود.

^۱ . دانشیار دانشگاه تبریز: msalmasizadeh@yahoo.com

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

پژوهش حاضر با تمرکز بر تبیین های عقلانی مهدیقلی هدایت، تلاش دارد به صورت موردی الگوی ترقی خواهی و تجددگرایی وی را مورد نقد و بررسی قرار دهد. هدایت رویکردهای ترکیبی را در تاریخنگاری خود بکار گرفته است و با بهرمندی از دستاوردهای اثبات گرایان و تاریخ گرایان، روش نویی از تاریخ نگاری را بوجود آورده که می-توان آن را رویکردی عقلانی به تاریخ نامید.

نباید فراموش کرد که هدایت در دوره ایی از تاریخ ایران معاصر می‌زیست که غالب روشنفکران و نواندیشان ایرانی شیفته و مرعوب تمدن اروپایی بودند و کمتر به نقد خردمندانه مبانی نظری و الگوهای عملی آن می-پرداختند. پیشینه‌ی ایشان متحیر از پیشرفت‌های مادی و تکنولوژیکی اروپائیان به انفعال و پذیرش بی قید و شرط الگوها و مدل های ارایه شده آن نظر داشتند.

پیشینه تحقیق: با مطالعه سایت های اطلاع رسانی از جمله پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایران داک) پایگاه اطلاعات علمی (اس آی دی)، کتابخانه ملی ایران، مگ ایران، نور مگز و سیویلیکا؛ پژوهشی با رویکرد مقاله حاضر یافت نشد.^۱

احوال و آثار هدایت

مهدیقلی هدایت پسر علیقلی خان مخبر الدوله^۲ و نوه رضا قلی خان هدایت^۳ است که در سال ۱۲۸۰ قمری در تهران متولد شد آموزشهای اولیه را در کشور دید و در ۱۲۹۵ برای تحصیل عازم آلمان گردید و در آنجا به تحصیل زبان و ادبیات آلمانی پرداخت و با تاریخ کشورهای اروپایی آشنا گشت. پس از دو سال به ایران بازگشت و به کارهای دولتی، تدریس و مدیریت مدارس جدید پرداخت و در سال ۱۳۲۰ ق عازم سفر دور دنیا گشت.^۴

هدایت روزگار شش پادشاه^۵ را درک کرد و در بیشتر آنها مشاغل مهم دولتی را عهده دار بود.^۱ پس از صدور فرمان مشروطیت به اتفاق برادرش مرتضی قلی خان صنیع الدوله^۲، و گروه دیگری از رجال سیاسی آن عصر، مأمور تهیه

^۱ - مقالای از هاشم رجب زاده در تبیین مناسبات ایران و ژاپن وجود دارد که در آن بخش هایی از کتاب سفرنامه مکه هدایت که ناظر به ترقیات ژاپن است مورد استناد قرار گرفته است از جمله مقاله: "ژاپنی که مخبر السلطنه هدایت دید" در شماره ۲ مجله ایرانشناسی در تابستان ۱۳۶۸ در صفحات ۳۵۹ تا ۳۸۳ و نیز مقاله: "سفرنامه های ژاپن ایرانیان" در شماره ۷ نامه انجمن (فصلنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران) در پاییز ۱۳۸۱ در صفحات ۱۰۱ تا ۱۲۰. همچنین بهزاد جامه بزرگ نوشته ایی با عنوان "مروری نقادانه بر تاریخ تجدد ایران" در سایت "برهان" دارد که از کتاب فوق استناداتی را در نقد تجدد خواهی عصر هدایت نقل و نقد کرده است. علی کرم همدانی هم در نوشته ایی با نام "ما و ژاپن" (گزارش مخبر السلطنه از ژاپن در آغاز قرن بیستم) گوشه هایی از همین کتاب را بررسی کرده است(کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ، خرداد و تیر ۱۳۸۱ شماره ۵۶ و ۵۷ صص ۱۲۹-۱۳۰).

^۲ - علی‌قلی مخبرالدوله (۱۲۴۵ - ۱۳۱۵ ه. ق.) از رجال قاجاریه، در شیراز به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات مقدماتی در محضر پدر و تحصیلات متوسطه در دارالفنون، برای تحصیل به اروپا رفت. در سال ۱۲۷۶ ه ق ناصرالدین شاه وی را مأمور کشیدن خط تلگراف بین تهران و سلطانیه (زنجان) کرد. در سال ۱۲۸۶ لقب مخبرالدوله گرفت. در سال ۱۲۹۶ وزیر پست و تلگراف شد. در ۱۲۹۸ وزیر علوم و رئیس دارالفنون شد. در سال ۱۳۱۴ ه ق در ابتدای سلطنت مظفرالدین شاه به سمت وزیر داخله منصوب شد.

^۳ - رضا قلیخان هدایت مورخ و امیرالشعرا معروف دوره قاجار و نویسنده کتبی همچون تاریخ روضه الصفای ناصری و فهرست التواریخ و نخستین مدیر دارالفنون بود.

^۴ - (هدایت، ۱۳۶۸: مقدمه مصحح: نه - دوازده)

^۵ - ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، محمد علی شاه، احمد شاه؛ از قاجاران و رضا شاه و محمد رضا شاه پهلوی

چهارمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

قانون انتخابات و برگزاری آن شد.^۳ برگزاری انتخابات اولین دوره مجلس شورای ملی و گرفتن دستخط مشروطیت از مظفرالدین شاه را کار خودش می‌داند.^۴ هدایت افزون بر فارسی به زبانهای عربی و آلمانی مسلط بود^۵ و با فرانسه آشنا و با انگلیسی رفع نیاز می‌کرد افزون بر گردش دور دنیا و اقامت در اروپا با مطالعه کتب و دایره المعارف های در دسترس اطلاعات و اندوخته های علمی اش را تکمیل می‌کرد و خود نیز با دیده ای تیز بین و روشن نگر به تجزیه و تحلیل رویدادها و اتفاقات می پرداخت و از روش بررسی انتقادی و عقلانی رویدادها و حوادث تاریخی بخوبی بهره می برد. البته به سان هر کس دیگر نظرات و کارکردهای وی قابل نقد و بررسی علمی می باشد و مقاله حاضر به معنای تایید تمامی نظریات و عملکرد وی ، بویژه کارکرد سیاسی اش نیست. هدایت خود اشاره به تالیف ۱۶ اثر در زمینه های مختلف از جمله تاریخ ، ریاضیات ، منطق ، حکمت و فلسفه ، موسیقی ، و آموزش زبانهای فارسی و فرانسه می کند. (هدایت ، ۱۳۸۵ ، مقدمه : ۲۶) کتابهای تاریخی که از او به چاپ رسیده چهار مورد است : گزارش ایران ، خاطرات و خطرات ، سفرنامه مکه ، و طلوع مشروطیت که از این میان کتاب خاطرات و خطرات که در پایان عمر مولف در هشتاد سالگی تالیف شده دارای اهمیتی ویژه است خودش آن را حاصل ۸۰ سال حیات سیاسی - اجتماعی اش می داند^۶ و زمان نگارش^۷ کتاب امکان نوشتن تاریخی آزاد و بدور از سانسور و فشار سیاسی را برایش فراهم آورده بود.

کتاب دیگری که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته افکار امم است که در تبیین جهان بینی و تاریخ نگری اش نقش پر رنگی دارد.

دو کتاب گزارش ایران و طلوع مشروطیت در واقع بخش های سوم و چهارم کتابی است که در تاریخ ایران از دوران باستان تا انقراض سلسله قاجار و به صورت چاپ سنگی منتشر کرده بود و سفرنامه مکه گزارش سفر یکساله هدایت به دور دنیاست که نقش مهمی در تبیین الگوی ژاپنی ترقی و پیشرفت و نقد تمدن آمریکایی و اروپایی دارد.

^۱ - سه بار در آذربایجان و یک نوبت در فارس حاکم شد ، و در وزارت خانه های علوم ، عدلیه ، فواید ، داخله و مالیه وزارت یافت، درعکاسی و گراور سازی ماهر بود و برای وزارت پست تمبر طراحی می کرد از ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۲ نخست وزیر گشت که خود از آن به اوقات سختی تعبیر می کند و رهایی از آن را خوشبختی می شمارد. (هدایت ، ۱۳۲۵ : ۳۰۵)

^۲ - (۱۳۲۹-۱۲۷۳ ه.ق) اولین رئیس مجلس شورای ملی ایران ، تحصیل کرده آلمان و مهندس صنایع بود که چندین بار به مقام وزارت هم رسید و در ۱۳۲۹ ه.ق بدست چند تبعه روس و گرجی ترور شد.

^۳ - (هدایت ، ۱۳۸۵ ، مقدمه : ۶-۵)

^۴ - (هدایت ، ۱۳۲۵ : ۳۰۵)

^۵ - و پیرت بلوشر سفیر آلمان در ایران در سالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۲ درباره او می نویسد: هنگامی که این رئیس الوزرای ایرانی با آلمانی روان و بدون غلط و بی لهجه ای مرا مورد خطاب قرار داد در حیرت فرو رفتم. وی از شمار ایرانیان محترم روزگار قدیم بود که تربیت آلمانی را نیز بر اصالت فطری خود مزید کرده بود و در برخورد و سخن گفتن، وقار و صمیمیت را به نحوی غیر قابل تقلید با یکدیگر توأم می کرد... لطف و گیرایی مسحورکننده ای نیز از او می تراوید (بلوشر ، ۱۳۶۳ : ۱۷۴)

^۶ - خودش این کتاب را نتیجه ۸۰ سال تجربیاتش می داند (هدایت ، ۱۳۸۵ : ۳۸)

^۷ - سال ۱۳۲۵ ش ، زمانی که متفقین در ایران حضور دارند ، دیکتاتوری رضا شاه پهلوی ساقط شده و شاه جوان هنوز پایه های قدرت خود را مستحکم ننموده است - دوره ۱۲ ساله حدفاصل شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ یکی از دوره های آزاد تاریخ معاصر ایران می باشد.

ویژگی های اصلی تاریخ نگاری هدایت

۱- پرهیز از تاریخ نگاری روایی: از نظر وی تاریخ روایی که حجم عظیمی از داده های نا متجانس و متضاد و گسسته را ارایه می کند تنها به درد سوزاندن می خورد. (هدایت ، ۱۳۸۵ ، مقدمه : ۲۱) و در بهترین صورت مانند انباری است که دارای فهرستهایی باشد. (هدایت ، ۱۳۸۵ : ۹۶)

۲- رعایت اختصار و دوی از اطناب:

پدر هدایت مسئول تلگرافخانه بود و تاریخ نویسی هدایت را می توان تاریخ نویسی تلگرافی نامید او کمتر بحواشی می رود و از بیان روایات نابکار پرهیز می کند خودش معترف است که گاهی در خلاصه نویسی افراط کرده و معاصرین ممکن است آن را ایجاز مخل بدانند، ولی با اینهمه آن را بر اطناب ممل ترجیح می دهد (هدایت ، ۱۳۸۵ ، مقدمه : ۲۱)

۲- بی طرفی در تاریخنگاری و پرهیز از متدهای غیر علمی:

می گوید در تاریخ نگاری تعصب به خرج نداده و تنها حقایق را نگاشته است، سیاست را فدای حقشناسی کرده و بی محابا و ترس ، اما با اعتدال و عدالت ، و بی ملاحظه هیچ فرد و گروهی تاریخی نوشته که داوری آن را به خوانندگانش باز می سپارد (هدایت ، ۱۳۸۵ ، مقدمه : ۲۷) البته این ادعای وی در موضوعات مربوط به خود یا وابستگانش قابل نقد و بررسی است که ان شاء الله در مقاله دیگری به آن پرداخته خواهد شد.

۴- شریتمعمداری: هدایت بینشی الهی به هستی و انسان دارد در سراسر کتابهایش مجدانه می کوشد که نگرش مذهبی - اخلاقی خود را در تبیین پدیده ها و وقایع تاریخی بروز دهد از نظر هدایت ترقی و تعالی بشر و جوامع انسانی تنها در پرتو شریعت امکان پذیر است و این بنیانهای اخلاقی برگرفته از مذهب است که سبب بسط عدالت در جامعه خواهد شد و عدالت کلید واژه و رکن اساسی ترقی و پیشرفت در رویکرد هدایت به تمدن و تجدد می باشد.^۱ اما در عین حال شریعت خواهی وی رنگ و بوی عقلانی و خردمندانه دارد^۲ او مبارز سرسخت اوهام و خرافاتی است که به اسم دین پراکنده می شود^۳ هدایت خرد جمعی و دانش تجربی را رد نمی کند اما بر این باور

^۱ - عدالت و امنیت نیز با همین اصول دینی مستقر میشود نه باقانونهای عقلانی - عرفی که هر دم در معرض تغییر و بی ثباتی اند (هدایت ، ۱۳۲۵ : ۱۳۵)

^۲ - او اسلام را دین عقلانیت و تفکر معرفی کرده می نویسد: "چرا خالی از تعصب نگوییم که اسلام یگانه دینانی است که بتها را از بین برد بتخانه ها را خراب کرد و مردم را به راه فکر و عقل و تفقه و صراط مستقیم هدایت نمود و از تصورات سقیم بازا داشت" (هدایت ، ۱۳۶۸ : ۲۰۱)

^۳ - (هدایت ، ۱۳۶۳ ، گزارش ایران : ۱۱۸)

چهارمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

است که این دو در معرض خطا و تغییر و تحول هستند و آنچه می‌تواند دریافت‌های بشری از هستی، انسان و جامعه‌اش را تکمیل کند ایمان است که قصول فهم و دانش و عقل بشری را جبران می‌کند^۱ او اصول اسلام را بهترین نوع حکومت ملّی می‌داند^۲ و آموزه‌های آن را ریشه هر تمدن سالمی معرفی می‌کند^۳ از نظر هدایت شریعت مقوم ترقی و تجدد و سمت دهنده آن به آرمانهای عدالت خواهانه است. (هدایت، ۱۳۸۵: ۴۹۰)

۶- خردگرایی: هدایت مورخی است خردگرا که عقلانیت را ودیعه الهی و بخشی از سرشت آدمی می‌داند^۴ رویکرد او به تاریخ نیز خردمندانه است بر این باور است که در جهان آشفته کنونی برای بدست آوردن عافیت و امنیت و پیشرفت و ترقی راهی به جز سیر در مسیر خردمندی وجود ندارد (هدایت، ۱۳۸۵: ۴۸۷) و رویگردانی از خردمندی، اساس ویرانی عالم و بروز جنگهای جهانی را تشکیل داده^۵ و انسانها را برای گشودن گره از کار فرو بسته اشان به جنگ و نزاع کشانده است^۶ او نخستین پیش شرط ترقی و پیشرفت را خردمندی و عقلانیت می‌داند از نظر او حکومت‌ها وقتی از خرد و عقل دور می‌شوند موجب فلاکت و عقب ماندگی کشور و مردمشان می‌گردند^۷ در فرهنگ او، تدبیر واژه‌ای مترادف با خردمندی است و حاکمان ترقی خواه با بهره جستن از آن کشور را به کفایت و لیاقت اداره می‌کنند نه به شمشیر و زور^۸ هدایت نمونه بارز چنین حاکمی را امیر کبیر معرفی می‌کند که به مدد عقل و تدبیر خویش موجبات پیشرفت و ترقی ایران را فراهم آورد و با اینکه از سلسله قاجار نبود سرسلسله‌ی ترقی خواهی ایرانیان گشت.^۹

از نظر هدایت خردمندی یکی از سه شرط اصلی برای ترقی و پیشرفت است^{۱۰} که ملتها به مدد آن می‌توانند عقب ماندگی و انحطاط خود را جبران کنند و در عین حال مرعوب و فریفته ظواهر پرزرق و برق، تجملات و عادات نادرست مغرب زمین نگردند.^{۱۱}

^۱ - او دریافت‌های حسی را نخستین مرحله در دانش بشری می‌داند که هر دم در معرض آزمون و خطا و تغییر و تحول هستند و از این روی اکتفا به آن را بسان محصور شدن کرمی در پيله محدود خود و چشم فرو بستن از زمین و آسمان معرفی می‌کند (هدایت، ۱۳۲۵: ۲۸۰)

^۲ - (هدایت، ۱۳۶۳، طلوع مشروطیت: ۲۹-۲۸)

^۳ - این آموزه‌های بنیادین از نظر او عبارتند از: توحید، آفرینش هستی و انسان توسط خداوند، مختار بودن آدمی در افعال و اعمال، آزادی قانونی و برادری و نه مساوات، محاسن اخلاقی، اقتصاد سالم. (هدایت، ۱۳۲۵: ۲۹۹-۲۹۱)

^۴ - عقلانیت او مینایی الهی دارد و از این روی با فطرت انسانها نیز سازگار است و به سعادت و سلامت همگانی می‌انجامد. (هدایت، ۱۳۶۸: ۲۰۱)

^۵ - (هدایت، ۱۳۸۵: ۲۹۵)

^۶ - (هدایت، ۱۳۸۵، مقدمه: ۲۴)

^۷ - یک نمونه تاریخی از حکومت نابخردانه را حاجی میرزا آغاسی و بی‌خردی هایش معرفی می‌کند و می‌نویسد کارهای پرهزینه وی نه خیری برای کشور داشت و نه زبانی برای دشمن (هدایت، ۱۳۶۳، گزارش ایران: ۶۶)

^۸ - (هدایت، ۱۳۶۳، گزارش ایران: ۶۸)

^۹ - می‌نویسد: اگر نادر پسر شمشیر بود میرزا تقی خان پسر تدبیر بود، از سلسله نبود، سر سلسله بود. (هدایت، ۱۳۶۳، گزارش ایران: ۷۶-۷۲)

^{۱۰} - او سه شرط اصلی توسعه را خرد، دانش و ثروت می‌داند (هدایت، ۱۳۸۵: ۳۲۱)

^{۱۱} - نمونه تاریخی وی ژاپن است که مردمانش با بهره مندی از خرد اخلاقی عادات ناپسند تجدد غربی را کنار زدند و کهن جامه خویش پیراستند و جامه عاریتی غربی را نپسندیدند. (هدایت، ۱۳۶۸: ۲۱۳-۲۱۲)

۶- تاریخ‌گرایی - تکامل‌گرایی :

هدایت روند کلی تاریخ بشری را در مجموع حرکتی تکاملی می‌داند که به مدد خواست الهی و خرد انسانی سرانجام به پیشرفت و تعالی انسانها می‌انجامد ، شاه بیت مکرر او این است که محال عقل است که خردمندان بمیرند و بی‌خردان جای ایشان گیرند.(هدایت ، ۱۳۸۵ : ۱۱۸،۳۰۲،۴۸۱)

دو جریان اصلی در تاریخ‌نگاری هدایت

رویکرد او به تاریخ از دو جریان اصلی تشکیل می‌شود: یکی این جهانی و مادی و دیگری معنوی و آن جهانی ؛ در رویکر مادی او بدنبال علل ملموس و تبیین‌های عقلانی می‌باشد و داستان تاریخ را حکایت پیشرفت و ترقی مستمر می‌شمارد می‌گوید شرقیان و ایرانیان برای رها شدن از تنگناهای عقب ماندگی باید از آسمان بزمین آیند ، دانش طبیعی را فراگیرند و راههای غلبه بر مشکلات و تسلط بر طبیعت را بیابند حکایت آتشِ نخودِ لاله الا الله و فیزیک و مکانیک او ناظر به همین معناست.^۱ در رویکرد آن جهانی و به بیان دیگر درونی ، هدایت به ایمان باور دارد او پای عقل نظری را لنگ و چوبین می‌داند و توجیهات فلاسفه و صوفیان را از هستی و آفرینش نمی‌پذیرد و همنوا با حافظ همه را از حل معمای هستی عاجز می‌شمارد^۲ فلاسفه را تبیین‌کنندگان نادانی می‌نامد.^۳ براین باور است که تنها ایمان به خدا و اسلام است که برای انسان آرامش و سعادت به بار می‌آورد^۴ از نظر او چنین ایمانی پایه اساسی اخلاقیات را تشکیل می‌دهد و اخلاقیات در نظر هدایت همان است که می‌تواند روی سیاه تمدن غربی را سفید کند. او وضعیتی را که در اروپا و آمریکا شکل گرفته و به بهای خوشبختی گروه اندکی ، اکثریت جوامع را پریشان و ناتوان ساخته زاییده بی‌عدالتی می‌داند که راه غلبه بر آن عدالت است^۵ و عدالت تنها در سایه تعالیم اخلاقی - اسلامی شکل خواهد گرفت.^۶

^۱ - می‌گوید شرقیان برای مقابله با تهاجم غربیان و آشنایی با رمز و راز برتری ایشان باید از آسمان فرود آمده ببینند در زمین چه خبر است؟ در مقابل این هجوم گسترده و پرزور "طلسم و آتشِ نخودِ لاله الا الله کار نمی‌کند ، افسون نمی‌شوند . مکانیک شعور ندارد ، کار صد نفر را یک چرخ می‌کند . راه دریا شصت برابر ارزانتر است . متاع شصت فرسخی خارجه با متاع یک فرسخی داخله به یک کرایه وارد بنادر می‌شود" (هدایت ، ۱۳۶۸ : ۱۰۶)

^۲ - وجود ما معمائی است حافظ / که تحقیقش فسونست و فسانه (هدایت ، ۱۳۲۵ : ۲۸۲)

^۳ می‌گوید علوم جدید بحث در حدود دانستن می‌کنند و فلسفه بحث در حدود ندانستن "پای فکر لنگ است و سرعقل بدبوار می‌آید" (هدایت ، ۱۳۲۵ : ۱۹۲)

(

^۴ - در حل مسائل غامضه و رموز خلقت جز ایمان بانچه بزرگان و دانشمندان بوجدان گفته اند راهی نیست و پای برهان در این میدان لنگ است و ایمان به اسلام و قرآن که همه چیز را تبیین کرده بهترین راه است (هدایت ، ۱۳۲۵ : ۲۸۶-۲۸۵)

^۵ - (هدایت ، ۱۳۶۸ : ۲۳۸-۲۳۷)

^۶ - (هدایت ، ۱۳۲۵ : ۲۹۹-۲۹۱)

تاریخ‌نگاری ترکیبی

تاریخ‌نگاری هدایت ترکیبی از نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف و در عین حال منحصر به فرد و یگانه می‌باشد. از اطناب ممل و ایجاز مخل‌گریزان و بر شریعتمداری مصر است^۱ بی‌عدالتی و بازار محوری سوداگرانه ی غربی را عامل پریشانی و ناآسوده بودن انسانها در جوامع غربی می‌داند^۲. او به یک اصل کلی باور دارد و آن ویرانگر بودن انقلاب و ضرورت اصلاحات است می‌گوید آنچه باعث می‌شود فقرا بر اغنیا بشورند و ناامنی و خون‌ریزی بپا کنند همان است که سبب عدم اهتمام ثروتمندان به وضع ضعفا می‌گردد، یعنی بی‌عدالتی^۳، و تنها چیزی که می‌تواند عدالت را برپا دارد ایمان است. جامعه آرمانی هدایت را نه استدلال‌های عقلانی و نه دست‌آوردهای علوم تجربی، نه فلاسفه و نه صوفیان بلکه مومنان اخلاق مدار می‌سازند^۴.

هدایت دریافتی دترمینیستی و جبرگرایانه از تاریخ ندارد، آن را تجلی مشیت الهی به معنای عدم دخالت انسانها و اسباب و علل طبیعی در رویدادها و پدیده‌های تاریخی نمی‌بیند. آثار تاریخی او آکنده از تلاش برای گذر از توصیفات حداقلی و رسیدن به تبیین‌های حداکثری است تمامی انواع و فروع تبیین‌های عقلانی و علمی در کارهای او مشهود است تبیین او از پیشرفت ژاپن و اروپا تبیینی کارکردی است که ناظر بر نتایج رویدادهای تاریخی در این کشورها می‌باشد و تلاش برای کشف علل عقب ماندگی ایران و شرق رویکردی معطوف به علل و اسباب مادی است. حضور او در متن وقایع تاریخی چنان است که تاریخ‌نگاری مکانیکی را به تاریخ‌نگاری ارگانیکی تبدیل می‌کند هیچ پدیده و رویداد تاریخی را مجرد از فضای اجتماعی اش مورد بررسی قرار نمی‌دهد. بسان همه انسانهای مومن به انجام تاریخ و کار بشر خوشبین است و در این معنا به پیروان مکتب تاریخ‌گرایی^۵ نزدیک است اما در عین حال اعلام خطر می‌کند که جهل و خودخواهی بشر بی‌اخلاق که بسان زنگی مست از تیغ پیشرفتهای علوم تجربی و دانش فنی بهره‌مند است هر لحظه می‌تواند دنیا را نابود کند. به نقش خاندانهای بزرگ و رهبران فرهمند در شکل‌گیری و هدایت تحولات اجتماعی صحنه می‌گذارد و در این معنا به نخبه‌گرایان نزدیک است اما در عین حال نخبه‌گرایی او بیشتر رنگ و بوی شایسته سالارانه دارد و متکی به پیوندهای خونی و امتیازات ویژه نیست در تبیین وقایع مشروطیت فساد و خطا را از روسا می‌داند و مردم را ذاتا مهیای پیشرفت و ترقی می‌شمارد^۶. شایسته سالاری را نتیجه تربیتی می‌داند که برآمده از سیاست ملی^۷، مدارس

^۱ - از نظر هدایت: پایه قوانین باید بر فقه باشد که برآمده از آرای انبیا و حکماست و هزاران سال است که مورد آزمایش واقع شده اما عقل آدمی جایز الخطاست و اختلاف ملل متمدنه در وضع قوانین خود دلیل اختلاف عقول است "تا پایه قانون روی عقیده نباشد در رگ و ریشه قوم نفوذ نمیکند" (هدایت، ۱۳۲۵: ۱۳۴)

عدالت و امنیت نیز با همین اصول دینی مستقر میشود نه باقانونهای عقلانی - عرفی که هر دم در معرض تغییر و بی ثباتی اند (هدایت، ۱۳۲۵: ۱۳۵)

^۲ - (هدایت، ۱۳۶۸: ۲۳۸-۲۳۷)

^۳ - (هدایت، ۱۳۸۵: ۴۸۷)

^۴ - (هدایت، ۱۳۸۵: ۴۸۸)

^۵ - بر پایه ی اندیشه‌های رایج در این آیین، تاریخ خود و با روشهای خاصش، قادر به شناسایی کامل انسان و سرنوشت اوست. به این معنی که نه تنها تأویلی رسا در باب انسانیت به دست می‌دهد، بلکه امکان دستیابی به حقایق اخلاقی و ارزشهایی که حیات انسانها را در طول تاریخ ممکن می‌سازند، فراهم می‌کند. (آلن بیرو، ۱۳۶۶: ۱۶۱)

^۶ - می‌نویسد: "تصور نشود که مرم مایل به شرارتند یا مصالح را نمی‌شناسند، عیب در روستاست" (هدایت، ۱۳۶۳، طلوع مشروطیت: ۱۹۰)

^۷ - می‌گوید چاره در "سیاست ملی" است و تصریح دارد که "ملت نمی‌تواند سیاسی باشد سیاست باید ملی باشد" (هدایت، ۱۳۶۸: ۲۲۱)

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

جدید^۱ و بنیان‌های اخلاقی باشد.^۲ چنین ترکیبی حد‌اعلای شایسته‌سالاری را پدید می‌آورد که از مهم‌ترین ویژگی‌های جوامع مدرن می‌باشد.^۳

تاریخ‌نگاری انتقادی

هدایت یک منتقد جدی و تمام‌عیار است هیچ‌عرضه‌ایی از تاریخ ایران و جهان نیست که مورد نقادی و سنجش او قرار نگرفته باشد از افلاطون و ارسطو تا هگل و دکارت^۴، از ناصرالدین شاه^۵ تا رضا شاه^۶، از بی‌دینان تا قشربون مذهبی^۷، از ژاپن^۸ تا آمریکا^۹ و اروپا؛ هر جا کار ناشایستی دیده‌زبان به نقد و انتقاد گشوده است معیارهای او برای چنین نقدی دو چیز است یکی دریافتهای مبتنی بر عقل‌نظری و روش‌های تجربی، و دیگر باروهای عدالت‌محوری که بر اخلاقیات و ایمان مذهبی بنا شده است.

این انتقاد حتی خود تاریخ را هم در بر می‌گیرد، او با طرد تاریخ‌روایی، رویکرد تبیینی را که به ترسیم مدل ترقی و پیشرفت کمک کند می‌پذیرد^{۱۰} و با گذر از دریافتهای حسی و تجربی به مرحله تبیین عقلانی و فراتر از آن یعنی معنا‌کاوی همدلانه و تفهمانه می‌پردازد^{۱۱}. هدایت با انتقاد از برداشت‌های رایج در باره ترقی و تجدد می‌نویسد سعادت آدمیان تنها در جوامعی امکان‌پذیر خواهد بود که همه چیز پول نباشد، اسکناس و لیره قبله‌گاه سیاستمداران نباشد^{۱۲} و حاکمیت بازار بر ارکان زندگی انسان را از مقام و منزلت انسانی اش به مرتبه حیوانی تنزل ندهد.^{۱۳} هدایت چنین دریافتی را از رهگذر مطالعه تاریخ جوامع اروپایی و آمریکایی و مشاهدات خود بدست آورده است. داستان ترقی و انحطاط داستان اصلی تاریخ‌نگاری وی است و کشف علل و اسباب آن وظیفه همیشگی اش^{۱۴}، جنبشهای اجتماعی و اکتشافات علمی را تنها در صورتی که در خدمت تعالی و پیشرفت متوازن انسان قرار گیرد مفید می‌داند و بر جنبه‌های معنوی حیات انسانی مانند سلامت اخلاقی و آسایش و امنیت خاطر تأکید می‌کند،

^۱ - (هدایت، ۱۳۶۸: ۱۶۳-۱۶۴)

^۲ - وی علمایی را که به این وظیفه اصلی‌اشان عمل نمی‌کنند بازچیه دست‌جهال و عوام‌میداند (هدایت، ۱۳۶۳، گزارش ایران: ۱۱۸)

^۳ - یعنی افراد تنها به دلیل شایستگی‌های بدست آمده از تعلیم و تربیت متمایز می‌شوند نه برحسب خاستگاهها یا وابستگی‌های خانوادگی و محلی‌اشان، و پایگاه‌های اجتماعی باید صرفاً بر اساس قابلیت‌هایی که دارندگان‌شان برای ابراز آنها دارند اعطا شوند و هیچ ملاحظه دیگری جز شایستگی و صلاحیت نتواند رقیبی را به زیان دیگران ارتقا دهد (بودن، ۱۳۸۵: ۶۲۱-۶۱۹)

^۴ - (هدایت، ۱۳۲۵: ۲۴۳-۲۱۸)

^۵ - (هدایت، ۱۳۶۳، گزارش ایران: ۱۰۳-۱۰۰)

^۶ - (هدایت، ۱۳۸۵: ۴۳۴-۴۳۳)

^۷ - هدایت ضمن تأیید اسلام بعنوان سازگارترین دین با مبانی ترقی، تأکید دارد با اوهام و اراجیفی که برخی از وعاظ السلاطین به اسم دین‌ارایه می‌کنند و سبب عقب‌ماندگی است، باید مقابله کرد (هدایت، ۱۳۸۵: ۳۸۰)

^۸ - از توسعه طلبی ژاپن و تجاوزات آن به چین بشدت انتقاد می‌کند و آن را از عوامل اساسی شکست ایشان در جنگ دوم جهانی و فروپاشی قدرت نظامی‌اشان می‌داند (هدایت، ۱۳۸۵، مقدمه: ۲۴)

^۹ - (هدایت، ۱۳۶۸: ۲۴-۲۳۹)

^{۱۰} - (هدایت، ۱۳۸۵: ۳۰۲)

^{۱۱} - (هدایت، ۱۳۲۵: ۱۹۶-۱۹۵)

^{۱۲} - (هدایت، ۱۳۶۳، گزارش ایران: ۱۳۳-۱۳۲)

^{۱۳} - (هدایت، ۱۳۸۵: ۴۹۳)

^{۱۴} - (هدایت، ۱۳۸۵: ۴۸۱-۴۷۵)

از این روی به زبان هدایت ایمان، اخلاق و عدالت سزاورترند که جایگزین عبارات خوش فریبی همچون آزادی، برابری و برادری گردند زیرا مدعیان آن بیشتر از آنکه اصلاح کنند افساد کردند و چه خونها که به اسم آزادی ریختند و چه ثروت ها که به اسم برابری به یغما بردند.^۱

آزادی به معنای بی بند و باری اخلاقی را مایه تسلط غرب بر شرق می داند و نفرین می کند، می گوید چنین آزادی بنیانهای اخلاقی را سست می کند و جامعه را به جای تفکر خردمندانه، تلاش علمی و پویایی صنعتی به لذت پرستی، مدگرایی، مصرف و از بین بردن منابع تولیدی می کشاند.^۲

ترقی و پیشرفت

هدایت ترقی خواهی را فطری آدمی می شمارد^۳ و پرسشگرانه در صدد تبیین چرایی و چگونگی آن بر می آید از نظر هدایت ترسیم مدل ترقی و پیشرفت تنها با کمک تاریخ امکان پذیر است^۴ داستان پیشرفت غرب و عقب ماندگی شرق، بینایی اروپا در اثر علم و عقب ماندگی شرق در اثر موهومات و خرافات جریان اصلی تبیین های ترقی خواهانه او را تشکیل می دهد هدایت هم به دلایل خارجی انحطاط شرقی توجه دارد^۵ و هم به اسباب داخلی آن از یک سوی مداخلات استعماری قدرت های غربی را محکوم می کند و از سوی دیگر غفلت و بی خبری شرقی و گرفتاری در بند رسوم و شیوه های نادرست گذشته را رد می کند، می نویسد با تیر آرش و شمشیر نادر نمی توان در برابر کشتی بخار و توپ آتشبار ایستاد، و با نقشه های چنگیز و امیر تیمور و حکومت های بدوی نمی توان جلوی تجاوزات تمدنی را گرفت. (هدایت، ۱۳۶۳، گزارش ایران: ۸۵) درمان نابسامانی های کشور با مستی عرفان نمی گردد و به بهانه قسمت ازلی نمی توان چشم بر ناکامی های فعلی بست و همه را به تقدیر گرای منفی حواله کرد، باید به فکر بهبود اوضاع و ارتقاء سطح زندگی عامه بود. (هدایت، ۱۳۶۸: ۲۳۸-۲۳۷) او به تبیین دو دنیایی که تجربه کرده است می پردازد، دنیای جدید که دانش و فناوری را در خدمت رفاه انسانها قرار داده و دنیای قدیم که گرفتار خیالات کهنه ای است که زندگی را بر مردم سخت کرده، این دو دنیا هیچ با هم تناسب ندارد، یک جا راه آهن و کشتی بخار و صنایع و علوم جدید است، و یک جا کالسکه های شکسته، اسبهای وامانده، چپرخانه های خشک و خالی، و مردمان درمانده. (هدایت، ۱۳۸۵: ۱۳۶)

مدل های پیشرفت:

هدایت سه مدل متفاوت از ترقی و پیشرفت ارائه می کند: مدل ژاپنی، مدل آلمانی و مدل ملی. مدل ملی با الگوهای رایج زمانه اش متفاوت است این تفاوت بیشتر از آنکا به اصول مذهبی و اخلاقی سرچشمه می گیرد همان

^۱ - (هدایت، ۱۳۸۵: ۵۰۱)

^۲ - هدایت این نوع آزادی را بی بنیان، ویرانگر و فریبکارانه می داند (هدایت، ۱۳۶۸: ۲۰۸)

^۳ - (هدایت، ۱۳۲۵: ۴)

^۴ - (هدایت، ۱۳۸۵: ۳۰۲)

^۵ - می نویسد دولتهای غربی به خاطر کسب سود اقتصادی آسیا را ویران می کنند و "به هر وسیله مشرق زمینی را به بازی مشغول می کنند" و تنگ نظران آسیایی قناعت به ظاهر اروپایی کرده از کشف علل واقعی پیشرفت غرب غافل می مانند (هدایت، ۱۳۶۸: ۱۰۶)

چهارمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

که گاه اندیشه‌های وی را تا سرحد خیال و ایده‌های آرمانشهری می‌برد و جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد که در آن همه روی همدیگر را می‌بوسند و جنگ طبقاتی با قناعت و انصاف حل می‌شود.^۱ رویکرد اخلاقی - ایمانی وی در واقع ترکیبی است از گزینش‌های عقلانی که در آن سود ترقی خواهی و تجدد به حداکثر و زیانش به حداقل می‌رسد. محدود سازی تجدد به رعایت اخلاق نیک و سنن شایسته ملی چیزی جز یک انتخاب خردمندانه نیست است زیرا پایبندی به سنن و رسوم و اخلاقیات خوب گذشته هم آرامش و آسایش فکری مردم را تضمین می‌کند^۲ و هم راه را بر تسلط نظام بازار بر عرصه‌های زندگی شرقیان و غارت منابع ملی ایشان می‌بندد^۳ و در واقع بحرانهای اجتماعی را که لازمه برنامه‌های نوسازی است مهار می‌کند^۴ به بیان دیگر هدایت بر آن است که با بررسی معنا کاوانه و گذر از ظاهر جذاب و فریبنده تمدن غربی (لذت پرستی و مصرفگرایی) به باطن خلاق و آفریننده آن (خردمندی ، دانش محوری و تولید) برسد. خردمندی ، کار ، تولید و انباشت ثروت^۵ ارکان مدل ترقی خواهی هدایت را تشکیل می‌دهند و نظام اخلاقی که او طراحی می‌کند این ترقی خواهی را از آلوده شدن به لذت پرستی ، مصرف گرایی^۶ و تنبلی باز می‌دارد (هدایت ، ۱۳۸۵ : ۴۷۷) می‌گوید ایرانیان می‌توانند با پیروی از تلاش‌گری و ساده زیستی حضرت علی (ع) ثروت را انباشته و در راه تولید و تجارت بکار برند تا مدام بر حجم آن افزوده شود.^۷ (هدایت ، ۱۳۸۵ : ۴۹۶-۴۹۵)

مدل ژاپنی او تا اندازه زیادی با مدل ملی اش مشابهت دارد و تفاوت عمده در جایگزینی مذهب شینتوئیسم بجای اسلام است این مدل حاصل مطالعات تاریخی و مشاهدات مولف از کشور ژاپن می‌باشد وی با اشاره به تاریخ اسطوره‌ای این کشور می‌نویسد از هنگامی که ژاپن اختلافات داخلی و رسوم ملوک الطوائفی را با افسانه‌ها و فسونهای ویرانگرش کنار گذاشت و به جای دشمنی با تمدن جدید ارکان مثبت و سازنده اش را شناخت و پذیرا گشت گام در شاهراه ترقی نهاد. امپراتور که بتی بود محصور در حلقه ارباب نفوذ و متملقین ، دست از صدور منشورهای آسمانی برداشت^۸ و از پسری آفتاب گذشته ، به آفتاب درخشان تعالی ژاپن تبدیل شد ، نظام پارلمانی را پذیرا گشت، مبانی اصیل پیشرفت و ترقی را از غرب فرا گرفت و در عین حال با تقویت آداب و سنن ملی در برابر مداخلات استعماری ایشان ایستادگی کرد (هدایت ، ۱۳۶۸ : ۱۹۱) او تجسم یک حاکم مقتدر و خوب است^۹ که با

^۱ - می‌نویسد : نه منکر پیشرفتیم نه طرفدار توقف . اصلاح طلبیم . و مشتاق آسایش عمومی . گوئیم هیچ گروه را در جماعت فدای گروه دیگر نباید کرد . همه در حدود قانون ذی حقتند . مرام همه طبقات را در نظر بگیرد . یکی قناعت کند یکی انصاف . دولت هم تعدیل وهمه روی هم را ببوسند(هدایت ، ۱۳۲۵ : ۱۸۲)

^۲ - هدایت عادات ناپسند زندگی غربی را از بین برنده امنیت و آسایش می‌داند (هدایت ، ۱۳۸۵ ، مقدمه : ۲۳)

^۳ - (هدایت ، ۱۳۲۵ : ۱۸۵)

^۴ - مراحل مدرن سازی با تحرک شدیدی که به همراه دارند غالباً دوره‌های گسیختگی و نابسامانی اند که طی آنها شدت رقابت‌ها و کشمکشها جامعه را به غیر اخلاقی شدن سوق می‌دهد (بودن ، ۱۳۸۵ : ۶۲۳)

^۵ - (هدایت ، ۱۳۸۵ : ۳۱۰)

^۶ - در تبیین آن می‌نویسد سابق وسمه میکشیدند سرانگشتان را حنا می‌بستند چون پولی بخارج نمیرفت وحشیگری بود حال که مبلنی گزاف به بهای ماتیک می‌رود نشانه ترقی و تمدن است. (هدایت ، ۱۳۸۵ : ۴۹۳)

^۷ - این رویکرد تا اندازه‌ای با تبیینهای ماکس وبر در باز شناسی علل توسعه در غرب سازگار است که بر اساس آن سخت کوشی و آلود نشدن به حرص و آز و آسایش و تجمل طلبی امری مقدس و برآمده از آموزه‌های اصیل دینی - اخلاقی و سبب انباشت ثروت و توسعه اقتصادی می‌باشد.(بندیکس ، ۱۳۸۲ : ۶۴)

^۸ - (هدایت ، ۱۳۶۸ : ۱۸۸)

^۹ - می‌نویسد امپراتور ژاپن برای ترقی کشورش از مال و اختیارات خویش به نفع ملت صرف نظر کرد(هدایت ، ۱۳۶۸ : ۱۵۷-۱۵۶)

معماری صدر اعظم اصلاحگرش بنای ژاپن جدید و قدرتمند را پی ریزی کرد.^۱ امپراتور نماد وحدت ملی و اقتدار قانونی است که با گذشتن از امتیازات خود کمانه اش در خدمت کشور و ملتش قرار گرفت. هدایت ژاپنیها را از این جهت که اصول ترقی را گرفته و گرد رسومات بیهوده نگشته اند در خور تمجید می داند ، گرفتار نشدن ایشان در دام مد و مصرف گرایی را نشانه خردمندی می شمارد و جدیت و سادگی زندگی ژاپنی را برتر از هرج و مرج زندگی اروپایی می انگارد. (هدایت ، ۱۳۶۸ : ۱۹۲) او این رویه را نشانه عقلانیت ، مایه اقتدار ، حافظ اخلاق ، نگاه دارنده عادات و رسوم ملی و سادگی زندگی می داند (هدایت، ۱۳۶۸: ۲۱۳-۲۱۲) ژاپنی ها بخاطر این که اصول مذهبی ، و آرمانهای عدالت خواهانه را ترکیب کرده و با رهبری نخبگان صالح آن را در خدمت ترقی کشورشان قرار داده اند نیز مورد تایید و ستایش هدایت قرار دارند (هدایت، ۱۳۶۸ : ۲۲۴-۲۲۳) در تبیین مدل آلمانی دو اصل اختصار و اختفا به چشم می خورد و این به دو دلیل است : نخست آنکه آلمان بخشی از اروپاست ، همان قاره که سعی دارد آسیا را بلعد و هدایت یک آسیایی است ، مسلمانی است که در آلمان مورد آزار آیینی قرار گرفته است^۲ دوم آنکه هدایت آثار خود را بلافاصله پس از جنگ دوم جهانی تالیف کرد ، روزگاری که اتهام طرفداری از آلمان هیتلری می توانست به بهای جانش تمام شود.^۳ همچنین نباید فراموش کرد که هدایت ترقی و پیشرفت را به هر قیمتی نمی خواست ، آسایش و مهربانی شرقی وهمدلی های نوع دوستانه ایشان^۴ برای او با اهمیت تر از انضباط خشک و بی روح آلمانی بود . کلیت این مدل تاکید بر نقش نخبگان سیاسی و استبداد صالح در هدایت و رهبری جنبش ترقی خواهانه می باشد. (هدایت ، ۱۳۸۵ : ۲۹۹)

نتیجه گیری

رویکرد اصلی تاریخ نگاری مهدیقلی هدایت را تبیین های عقلانی و پرسش های نقادانه تشکیل می دهد وی می کوشد با معناکاوی جریانهای تاریخی جلوه هایی از تفهم و همدلی را ارائه کند. تبیین الگوهای ترقی و پیشرفت و نقد آفات تجدد و تمدن غربی در کانون تاریخنگاری او قرار دارد از نظر وی خردمندی و عقلانیت رویکرد اساسی ترقی و پیشرفت محسوب می گردد ، عدالت و بنیانهای اخلاقی برآمده از ایمان مذهبی سمت و سوی راهبردی آن را شکل می دهد و اتکا به سنن و رسومات ملی لازمه رویارویی با نظام سلطه بازار می باشد. خردمندی ، شریعت گرایی و عدالت جویی سه رکن اصلی مدل ملی پیشرفتی است که هدایت ارائه و به مدد آنها تلاش می کند مدلی اسلامی - ایرانی از پیشرفت ترسیم نماید. تبیین های عقلانی در ترسیم مدلی از پیشرفت که او آن را ملی نامیده مشهود است. تبیین او از پیشرفت ژاپن و اروپا تبیینی کارکردی است که ناظر بر نتایج رویدادهای تاریخی در این کشور ها می باشد و تلاش برای کشف علل عقب ماندگی ایران و شرق و ارائه مدل ملی پیشرفت ، رویکردی معطوف به علل و اسباب مادی است. حضور او در متن وقایع تاریخی چنان است که تاریخ نگاری مکانیکی را به تاریخ نگاری

^۱ - معمار اصلاحات و ترقی خواهی ژاپن است و تا او تصویب نکند امپراتور حتی مصوبات مجلس و هیات وزرا را امضا نمی کند. (هدایت ، ۱۳۶۸ : ۱۶۳-۱۶۴)

^۲ - (هدایت ، ۱۳۶۸ : ۱۶۵-۱۵۶)

^۳ - روزی در هنگام گردش با ویلهلم (پسر صاحب خانه) او بی جهت شروع کرد به مذمت از اسلام و گفتن ناسزا من چون نمیتوانستم نسبت بعیسی اطاله لسان کنم در تأثر گریستم به مادرش شکایت کردم سخت از صحبت مذهبی منع کرد. (هدایت ، ۱۳۸۵ : ۱۵)

^۴ - (هدایت ، ۱۳۶۳ ، طلوع مشروطیت: ۱۲۴، ۱۲۱)

^۵ - (هدایت ، ۱۳۶۳ ، گزارش ایران : ۱۳۶)

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

ارگانیک‌تری تبدیل می‌کند. وایمان مذهبی، وی را به سرانجام تاریخ خوشبین و به پیروان مکتب تاریخ‌گرایی نزدیک می‌سازد. به نقش خاندانهای بزرگ و رهبران فرهمند در شکل‌گیری و هدایت تحولات اجتماعی و سوق دادن توده مردم بسوی ترقی و پیشرفت صحنه می‌گذارد و در این معنا به نخبه‌گرایان نزدیک است اما در عین حال نخبه‌گرایی او بیشتر رنگ و بوی شایسته سالارانه دارد و متکی به پیوندهای خونی و امتیازات ویژه نیست. هدایت یک منتقد جدی و تمام‌عیار تمدن غربی و مدل‌های آن برای پیشرفت و ترقی می‌باشد معیارهای او برای چنین نقدی دو چیز است یکی دریافتهای مبتنی بر عقل‌نظری و روش‌های تجربی، و دیگر باورهای عدالت‌محوری که بر اخلاقیات و ایمان مذهبی بنا شده است.

نکته پایانی و کلیدی آنکه برای تبیین مدل اسلامی - ایرانی پیشرفت ما نیازمند تاریخ و نقد تاریخی می‌باشیم. نقدی علمی که تاریخ را از داستان‌ها و روایت‌های کسالت‌بار جدا کرده به رهیافت‌های عالمانه و روشمندی می‌رساند که بهترین دست‌مایه‌های فکری و نظری را برای ترسیم مدل اسلامی - ایرانی پیشرفت فرا روی اندیشمندان و پژوهشگران قرار می‌دهد.

کتابنامه

- بلوشر ، ویپرت ، ۱۳۶۳ ، *سفرنامه بلوشر* ، ترجمه کیکاوس جهاننداری ، تهران ، خورازمی ، چ ۱
- بندیکس ، راینهارد ، ۱۳۸۲ ، *سیمای فکری ماکس وبر* ، ترجمه محمود رامبد ، هرمس ، تهران ، چ ۱
- بیرو ، آلن ، ۱۳۶۶ ، *فرهنگ علوم اجتماعی* ، ترجمه باقر ساروخانی ، تهران ، انتشارات کیهان ، چ اول
- هدایت ، مهدیقلی ، ۱۳۲۵ ، *افکار امم* ، طهران ، چاپخانه علمی ، چ ۱
- هدایت ، مهدی قلی ، ۱۳۶۳ ، *طلوع مشروطیت*، به کوشش امیر اسماعیلی ، تهران ، جام ، چ ۱
- هدایت ، مهدی قلی ، ۱۳۶۳ ، *گزارش ایران* ، به اهتمام محمد علی صوتی ، تهران ، نشر نقره ، چ ۲
- هدایت ، مهدیقلی ، ۱۳۶۸ ، *سفرنامه مکه*، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی ، تهران ، تیراژه ، چ ۱
- هدایت (مخبر السلطنه) ، مهدی قلی ، ۱۳۸۵ ، *خاطرات و خطرات* ، تهران ، زوار ، چ ۶